



«ده‌ها سال حاکمیت کمونیسم در برخی کشورها نتوانست مانع اجرای مراسم مذهبی و گرایش مردم به دین گردد، زیرا دین نیاز درونی انسان است.»

ویژگی منحصر به فرد خداشناسی در آیین اسلام، استدلالی بودن آن است. شریعت‌های گذشته دستورات دینی را به صورت تعبدی و بدون سند و دلیل صحیح ارائه می‌کردند. در چنین فضایی اسلام ظهور کرد و تحولات بزرگی ایجاد نمود. در خاتمه‌ی مقدمه ذکر این نکته لازم است که انسان در عصر حاضر با دو گونه مسایل روبه‌رو است: مسایل وجودی و مسایل غیر وجودی؛ پاسخ مسایل غیرووجودی بر عهده‌ی علوم بشری است مانند: فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، جامعه‌شناسی و... اما پاسخ مسایل وجودی در قلمرو دین و الهیات قرار می‌گیرند.

راه‌های خداشناسی

خداشناسی فطری: عموماً هر انسانی به مقتضای نوع آفرینش انسان شناختی از خداوند دارد.

بشر قبل از آنکه به نیروی عقلی استدلالی مجهز شود و قبل از آنکه تعلیمات وحی به او برسد، دارای حس فطری خداگرایی بوده است. خداشناسی فطری چیزی است که هر کسی با اندک توجهی در درون خود، بدان دست می‌یابد. این نوع شناخت عمومی از نوع علم حضوری است و نیاز به استدلال و برهان‌آوری ندارد. این شناخت گرچه بسیار ارزشمند است و می‌تواند پایه‌ی شناخت‌های عمیق‌تر قرار گیرد، اما به تنهایی برای عمق بخشیدن به خدا باوری و پاسخ به ابهام‌های موجود کافی نیست؛ زیرا افکار و عقاید، هر اندازه هم والا و اصیل باشند، ولی از راه تحقیق و به همراه دلایل در دل جای نگرفته باشند، دچار تزلزل گشته و در فراز و نشیب‌های زندگی با بحران‌های روحی و فکری مواجه می‌شوند.

خداشناسی نقلی: یکی از راه‌های خداشناسی این است که ببینیم خود خداوند چگونه خودش را معرفی نموده و یا پیشوایان دین در این زمینه چه فرموده‌اند. مراجعه به متون دین ما را به این هدف می‌رساند. البته باید در نظر داشت این روش زمانی نتیجه بخش است که اعتبار این متون و نیز اعتبار وحی ثابت شده باشد. و پیش‌نیاز همه‌ی اینها شناخت وجود خدا و اوصاف اوست.

خداشناسی عقلی: در این نوع از خداشناسی همه‌ی گزاره‌ها نیازمند استدلال بوده و با دلایل عقلی ثابت می‌شوند. این راه از دو جهت مفید است: ۱- برای کسانی که در این گزاره‌ها شک و تردید دارند ۲- برای توسعه شناخت و

سال‌هاست، فضای روشنفکری و غلبه اندیشه‌های ماتریالیستی در جامعه احساس می‌شود. عده‌ای در صدد آنند که یک برنامه بشری را جایگزین دین کنند و عقل را به عنوان ابزاری در غیاب خداوند به کار بگیرند.

مدتی است این دل‌نگرانی‌ها، افکار و اذهان را به خود مشغول کرده است؛ غافل از اینکه اندیشه‌ی خدا باوری و خداشناسی حقیقتی انکار ناپذیر و درعین حال بر تمامی عرصه‌های زندگی سایه افکنده است. به طور کلی موضوع خدا باوری و خداشناسی همواره از مقوله‌های مشهور در تاریخ بشر بوده است. «آنتونی گیدنز» Anthony Giddens جامعه‌شناس بریتانیایی معتقد است هیچ جامعه‌ی شناخته شده‌ای نیست که در آن شکلی از دین وجود نداشته باشد، اگر چه اعتقادات و اعمال مذهبی و فرهنگ‌ها با هم تفاوت دارد.

آنچه تاریخ ثابت کرده این است که هیچ قدرت نظامی یا اندیشه‌ی فلسفی یا نگرش علمی نمی‌تواند ریشه‌ی خداشناسی را نابود سازد. بر خلاف تمام ادعاهای دنیای مدرن مبنی بر از بین بردن دین، آنچه عملاً به وقوع پیوسته این است که فوران دین در جهان امروز از مسائل داغ و پرطرفدار است. بر خلاف پیش‌بینی جامعه‌شناسان در قرن گذشته، دین نه تنها از صحنه‌ی زندگی بشر خارج نشده، بلکه حضور آن نیز پررنگ تر شده است. تأسیس مراکز دین‌شناسی در چپ‌گرایترین موسسات و دانشگاه‌های جهان شاهدی بس مهم بر این امر است. «فیشر» Fisher بازگشت اسلام را نتیجه شکست لیبرالیسم و سوسیالیسم می‌داند.

ایدئولوژی‌های کمونیسم، ماتریالیسم، سوسیالیسم نه تنها جوابی مناسب به مسایل اخلاقی، ایمانی و نظم اجتماعی ارائه نداده‌اند، بلکه جامعه‌ی غرب را به ورطه‌ی نیستی و نابودی معنوی کشانده‌اند. «ساموئل هانتینگتون» Samuel P. Huntington استاد روابط بین الملل دانشگاه هاروارد در مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ تمدن‌ها»، دین را مرکزی‌ترین ویژگی تعریف تمدن می‌داند. دین‌داری مسئله‌ای فراتر از محیط خانوادگی و یا جبر جغرافیایی است.

امروزه رشته علمی به نام «نوروتئولوژی» neurotheology ایجاد شده که به معنی «عصب‌شناسی الهیات» یا «علم الهی» است. این رشته از همبستگی پدیده‌های عصبی با دین‌داری خبر می‌دهد. دکتر «دین هیمر» Dean Hamer در کتاب خود به نام «ژن خدا» The God Gene می‌نویسد: «خدا باوری منشأ ژنتیکی دارد.» وی می‌گوید:

شبهه: همه می دانند که مردم ایران از اولین خداشناسان هستند و قبل از ورود اسلام، این مردم یکتا پرست بودند، همان طور که در نامه پادشاه ایران به عمر بن خطاب این گونه تصریح شده است: «تو به من پیشنهاد می کنی که خداوند یکتا را بپرستم در حالیکه نمی دانی هزاران سال است که ایرانیان خداوند یکتا را می پرستند.» با این تفسیر هدف از حمله مسلمانان به ایران چه بود؟

پاسخ: ابتدا باید دانست که ایرانیان قبل از ورود اسلام، دین های متعددی داشتند و همه بر یک دین و مذهب نبودند. آیین مهرپرستی یا میترائیسم (آیین مغان)، دین زرتشت، آیین مانی، آیین مزدک، یهود، مسیحیت، بودایی و ... از جمله ادیانی بود که پیروان خود را در نقاط مختلف ایران داشتند.

رایج ترین دین، دین زرتشت بود. ما اگر نپذیریم که دیانت زرتشت از ابتدا دچار دوگانه پرستی بوده است، نمی توانیم منکر اسناد تاریخی بی شماری شویم که می گوید این دیانت به مرور و خصوصاً در زمان ورود اسلام به ایران، دچار دوگانگی و ثنویت شده بود. مرتضی مطهری می نویسد: «اگر تردیدی باشد تنها در باره خود زرتشت و آئین اصلی مزدایی زرتشتی است که آیا توحید است یا ثنوی، اما در مورد اینکه در دوره های بعد، بالاخص در دوره ساسانیان که منتهی به ورود اسلام به ایران گشت، ثنوی بودن دیانت زرتشت جای هیچ تردیدی نیست.» (خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری / ۲۰)

ژرژ دومزیل، نویسنده فرانسوی می نویسد: «اعتقاد به ثنویت از خصوصیات طرز تفکر ایرانی است.»

در کتاب «تاریخ جامع ادیان» آمده است: «اعتقاد به مبدأ شر و عامل تبهکاری رفته رفته دین زرتشت را به صورت یک آئین دوگانه پرستی در آورد.» (تاریخ جامع ادیان، جان بایر ناس / ۳۱۵)

یکی از کتب معروف زرتشتیان که در دوره اسلامی و قرن سوم تألیف شده است یعنی کتاب «دینکرد» بیش از نیمی از مطالب آن در دفاع از ثنویت در مقابل ادیان کلیمی و مسیحی است.» (تاریخ تمدن ایرانی نوشته جمعی از خاورشناسان، ترجمه: جواد محیی / ۲۶۹ - ۲۷۰)

کریستین سن، نویسنده «تاریخ ایران در زمان ساسانیان» معتقد است که در دروه ساسانی معتقدان «زروانی» که پر از خرافات است در میان زرتشتیان رسوخ یافته بود.» (ایران در زمان ساسانیان، فصل سوم) «برخی محققین «هرمن» را در مقابل «هوارمзда» می دانند و بر این عقیده اند که زرتشت به ثنویت معتقد بوده، یعنی یکی را خدای شر و دیگری را خدا خیر می داند.» (تاریخ کامل ایران، دکتر عبدالله رازی / ۱۰۶)

آیا با وجود همه این ادله، می توان همچنان معتقد بود که ایرانیان قبل از ورود اسلام یکتا پرست بوده اند؟ قطعاً خیر! در مورد این بخش سوال که پادشاه ایران در پاسخ به عمر بن خطاب رضی الله عنه چنین نوشته است باید گفت: این نامه نگاری گرچه در فضای مجازی دست به دست می شود، اما طبق هیچ سند و مدرک تاریخی معتبر و حتی غیر معتبری چنین نامه ها و مکاتباتی بین حضرت عمر و شاه ایران رد و بدل نشده است، بلکه این مطالب زائیده ذهن افراد مغرضی است که به هر نحو ممکن در تلاش اند تا در مورد دین مبین اسلام شبهه پراکنی کنند.

معرفت بیشتر درباره خداوند. خداشناسی عقلی انسان را از خطر انتخاب تقلیدی نجات می دهد. اهمیت این مساله آنجا آشکار می شود که می بینیم قرآن کریم در اثنای بحث از اصول عقاید، تنها به بیان آنها اکتفا نمی کند، بلکه بر اثبات و حقانیت یکایک آنها برهان و ادله اقامه می کند.

ثمرات خداشناسی

۱- رشد همه جانبه انسان: ایمان به خدا انسان را در همه ی عرصه ها به کمال و ترقی می رساند. از جمله: نظم دهی به افکار و عقاید، تنظیم اصول اخلاقی، تحکیم روابط اجتماعی، لغو تبعیض های نژادی و ...

۲- آرامش روحی: کسی که خدا ناباور است، طبیعتاً به آخرت هم باور ندارد. در نتیجه همیشه نگران و مضطرب است. چرا که خودش را در آستان فنا شدن می بیند و از طرفی چیزی برای جواب دهی به عطش جاودانگی وی وجود ندارد. اما کسی که خدا را می شناسد و به آخرت باور دارد، به آرامش عمیق و رضایتمندی می رسد. هر قدر که شناخت خدا بیشتر شود، آرامش روحی انسان هم بیشتر می شود. مومن به دنیا دل بسته نیست و بدین خاطر مرگ را برای خود به مانند پلی برای رسیدن به آرزوهایش می داند.

۳- احساس مسئولیت: کسی که باور به الله دارد، خوب می داند که ریز و درشت زندگی وی در محضر پروردگار مورد بررسی قرار خواهد گرفت، بدین خاطر همیشه نسبت به پیرامون خود احساس مسئولیت می کند.

۴- پرورش عواطف انسانی: بحران عاطفی موجود در غرب که کارشناسان از آن به طاعون رو به گسترش یاد می کنند، ثمره عدم شناخت خداوند است. دوری از معنویت سبب شده غرب کمبود عاطفه خود را با همنشینی حیوانات جبران کند. روابط سرد و بی روح باعث دوری مردم از یکدیگر شده است. خداشناسی و خدا باوری انسان ها را به هم نزدیک می کند و قلب ها را به هم پیوند می دهد.

۵ - هدفمندی: سرشت هر انسان سلیم همواره سوالاتی از خود می پرسد: از کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ چه کسی مرا فرستاده؟ به کجا می روم؟ این سوالات را نه حس می تواند جواب دهد و نه عقل؛ تنها باور به خدا است که همه ی این موارد را پاسخ می دهد. علاوه بر موارد مذکور، از دیگر فواید خدا باوری ظلم ستیزی، عدل گستری و ... است. بدین خاطر عقل حکم می کند که برای رسیدن به مقام انسانیت باید خدا را شناخت.

منابع:

۱. درآمدی بر خداشناسی مقدمه به قلم محمد احمدیان

۲. دلائل أصول الإسلام؛ مرکز صناعة المحاور، صص ۷۵، ۷۴

۳. خداشناسی، عبدالرسول عبودیت، صص ۳۱ تا ۳۳

۴. پس خدا وجود دارد، ابراهیم کامران پور، صص ۲۴

نویسنده: امام ابوالحسن ندوی - رحمه الله -

خاورشناسان و دانشمندان غربی کسانی هستند که زندگی خود را وقف پژوهش در علوم اسلامی کرده اند. این دسته از افراد جایگاه ویژه‌ای در مراکز سیاسی و علمی شرق و غرب دارند. این دانشمندان همواره شعار «اصلاح دین» و «اصلاح قانون اسلامی» را سر داده‌اند. شرق شناسی قدمتی دیرینه دارد و به قرن ۱۳ میلادی بر می‌گردد و عواملی همچون دینی، سیاسی و اقتصادی دارد.

عامل دینی آن کاملاً روشن و مبرهن است، زیرا هدف مستشرقین تبلیغ و گسترش مسیحیت است. آنان سعی دارند اسلام را به گونه‌ای جلوه دهند که برتری مسیحیت بر اسلام ثابت شود و از این مسیر باعث شیفتگی قشر تحصیل کرده به آیین مسیحیت شوند. بدین خاطر شرق شناسی و تبلیغ مسیحیت همواره ملازم هم بوده و اغلب مستشرقین، اسقف و عده‌ی زیادی از آنان یهودی هستند. عامل سیاسی اینگونه است که مستشرقین، طلایه‌داران غرب در شرق‌اند و یکی از وظایف آنان این است که با اطلاعات خود به غرب کمک کنند تا بتواند از آداب، زبان، باورها و حتی عواطف شرق آگاه شوند و از این طریق نفوذ خود را در شرق بگسترانند. علاوه بر این، مستشرقین ابزار کارآمدی برای قلع و قمع جریانات و افکاری هستند که برای غرب ایجاد مزاحمت می‌کنند.

تلاش این دسته از افراد بر این است تا فضایی را در مشرق زمین به وجود آورند که خالی از هر گونه اختلاف با جامعه غربی باشد. همچنین بر سیطره تمدن غرب در مشرق تمرکز ویژه‌ای دارند تا بتوانند از این راه همگان را متأثر از تمدن پوشالی خود کنند و اقتدار فرهنگی و فکری‌شان در دل‌ها جاودانه شود.

به همین دلیل است که دولت‌های غربی به اهمیت وجود شرق شناسان پی بردند و آنان را به گونه‌های مختلفی حمایت می‌کنند. برای تحقق یافتن این هدف اقدام به چاپ و نشر مجلات گوناگون با مقالات تحلیلی و تحقیقی کرده اند که از مهمترین آنان می‌توان به مجله خاورمیانه Journal Near East، و جهان اسلام The Muslim World از آمریکا، و مجله‌ی Lemond Muslim World از فرانسه اشاره کرد.

اما عامل اقتصادی، عاملی است که بسیاری روشنفکران از آن به عنوان یک شغل موفق یاد می‌کنند. بسیاری از ناشران، نویسندگان را تشویق به تالیف در موضوع مفاهیم اسلامی و مسائل مرتبط با شرق نموده و مستقیماً بر آن نظارت دارند، زیرا این گونه تالیفات از سود کلانی برخوردار است و مشتریان بی‌شماری در اروپا و آسیا دارد.

فارغ از این عوامل، بخشی از روشنفکران فقط به علت ذوق و شوق علمی، پژوهش‌های چشم‌گیری را در مورد اسلام و شرق انجام می‌دهند که عدم ستایش و تمجید از آنان

نوعی جفا به شمار می‌آید.

به سبب تلاش‌های خاورشناسان، بسیاری از علوم و معارف کمیاب که غبار گذر ایام آنان را پوشانده بود، غبار روبی شده و از فرسودگی در امان مانده است و بسیاری از منابع علمی و حقیقت‌های تاریخی ارزشمند برای اولین بار با همت همین افراد منتشر شده است که باعث خرسندی علما و دانشمندان گردیده است.

اما علی‌رغم این اعتراف به دانش خاورشناسان، صراحتاً می‌گوییم که این افراد با وجود تعمق در علوم قرآنی، سنت، سیرت، فقه، اخلاق، تصوف و... همواره از مفاهیم علم و یقین تهی بوده‌اند و به سبب دشمنی و کینه توزی با اسلام، شکاف بین آنان و بین این علوم عمیق‌تر شده است.

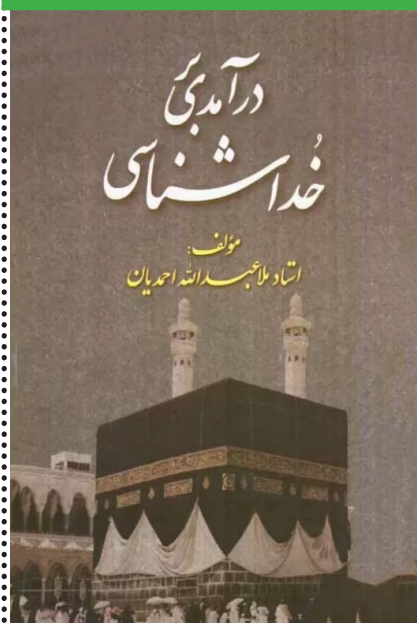
مهم‌ترین علت در پیدایش این شکاف، غرض ورزی مستشرقین و جستجو برای بزرگ کردن مواضع ضعف با اهداف سیاسی و دینی است. آنان از محاسن و خوبی‌های اسلام رو می‌گردانند و در صدد یافتن عیب هستند.

اگر تاثیر سوء مستشرقین به خود آنان محدود می‌شد، ما نسبت به آن بحثی نداشتیم. ولی مستشرقین همواره سعی دارند از کاه، کوهی ساخته و توجه خواننده را به آن جلب نمایند و در این کار به چنان خبرگی و دقتی رسیدند که مثل و مانند ندارد.

روش آنان این است که ابتدا هدفی را برای خود ترسیم می‌کنند، سپس برای آن هدف به هر وسیله‌ای از تاریخ، ادبیات، شعر، داستان - فارغ از صحیح یا غلط بودن آن - دست می‌زنند و معلومات نامعتبر علمی را با مهارت بزرگ کرده و با تمام بی‌شرمی و وقاحت به خورد مخاطب می‌دهند و بر اساس آن، نظریات بی ثبات و پوچ، بنا می‌کنند.

عادت مستشرقین این است که با توجه به مهارتی که دارند، یک شبهه را در میان ده مطلب خوب به مخاطب القا می‌کنند. وقتی مخاطب ده مطلب خوب را می‌خواند به آنان اعتماد می‌کند و به راحتی آن یک شبهه، شک و تردید را در دلش وارد می‌کند که بنیان اعتقاداتش را از بین می‌برد و تاثیر تمام ده مطلب خوب را نابود می‌کند. بسیاری از خاورشناسان در نوشته‌های خود مقدار قابل توجهی مطالب سمی را جا داده‌اند تا خواننده به اعتقاد و باور خویش بدگمان شود. مستشرقین در هر یک از موضوعات زیر به پژوهش و کنکاش پرداخته‌اند: قرآن، حدیث، سیرت، فقه، کلام، صحابه، تابعین، ائمه مجتهدین، محدثین، فقها، مشایخ، صوفیه، راویان حدیث، علم جرح و تعدیل، اسماء رجال، صحت حدیث و تدوین آن، منابع فقه اسلامی و... که هر کدام می‌تواند منجر به متزلزل شدن عقیده فرد غیر کارشناس در هر کدام از موضوعات فوق گردد.

ادامه دارد...



این کتاب انسان را به خداشناسی استدلالی می‌رساند. در زمانه‌ای که غبار شک و تردید کردستان ایران را فرا گرفته بود، استاد احمدیان این کتاب را به رشته تحریر در آورد تا حدی از این امواج سهمگین را دور نماید. این کتاب در برابر شبهات روشنفران آن دوره قد علم نمود و به تهاجمات ناروای آنان پاسخ داد. کتاب حاضر پایان دادن به نزاع‌های لفظی و هـیاهوهای

مغرضین را رسالت اصلی خویش دانسته و در این راستا نقشی اساسی ایفا نموده است.

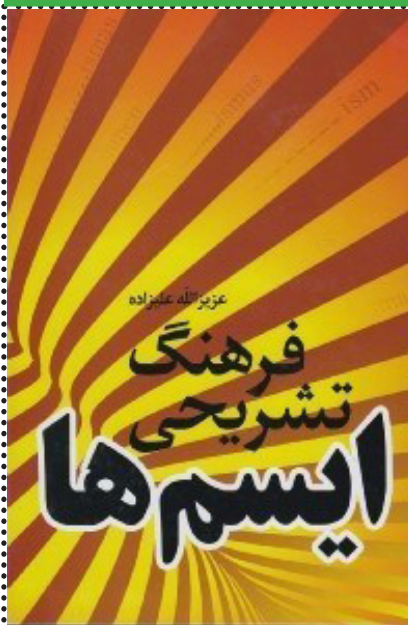
مباحث مهمی همچون جهان بینی و معیارهای یک جهان بینی ارزشمند، شناخت برخی مکاتب، بررسی علل انکار وجود خدا، براهین خداشناسی و پاسخ به برخی اشکالات در این کتاب گنجانده شده است.

لازم به ذکر است فرزند فرزانه مؤلف استاد محمد احمدیان مقدمه‌ای مفصل در بحث ضرورت دین بر این کتاب نگاشته است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: در تمام کارهایی که با نیروی اراده و عقل و بر اثر ارزیابی انجام می‌شوند، سه عنصر آگاهی، هدف و برنامه دخالت دارد. عنصر اول و دوم محصول مجموعه‌ای از نگرش‌ها و چنین و چنان‌ها و گرایش‌ها و باورهایی است که آن را جهان‌بینی می‌نامند. عنصر سوم نیز شامل مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها و روش کردها و نکردهایی است که آن را ایدئولوژی می‌نامند. ایدئولوژی ترکیبی است از «ایده» به معنی عقیده و «لوژی» به معنی معرفت و شناخت. ایدئولوژی گاهی به معنی «مکتب» نیز استعمال می‌شود...

مشخصات کتاب

نام کتاب: درآمدی بر خداشناسی
نویسنده: استاد ملا عبدالله احمدیان
ناشر: انتشارات کردستان
تعداد صفحات: ۱۳۳



مکاتب فکری معاصر از جمله موضوعاتی است که نویسندگان مختلف در مورد آن قلم فرسایی کرده‌اند. شاید دلیل این همه توجه به این مکاتب میزان تأثیرگذاری آن بر افراد و جوامع بوده باشد. دکتر علیزاده از جمله ایسم شناسان معاصر و معروف است که این مکاتب را شناسایی کرده و آنها را به عرصه معرفی گذاشته است.

وی در این کتاب ۱۹۹۰ ایسم را گردآوری کرده و آنها را از موارد متنوعی مورد بحث و کنکاش قرار داده است. از جمله مواردی که در این کتاب بدان پرداخته شده می‌توان: اسامی نظریه پردازان، تاریخ ظهور و افول مکاتب، باورها، بیان ویژگی و اصول نظریه‌ها، نظریه‌های اقتصادی، جریان‌ات سیاسی، جنبش‌ها و نهضت‌های اجتماعی و... اشاره کرد.

این فرهنگ ویژگی‌هایی را در خود جای داده که مهمترین آنها عبارتند از:

- * استفاده از کارشناسان ۱۶ رشته در تأیید مطالب
- * رعایت اصول علمی
- * دارای دو فهرست به انگلیسی و فارسی
- * ساده نویسی
- * کوتاه نویسی

ناگفته نماند این کتاب در نوع خود یک فرهنگ جامع و مناسب برای پژوهشگران است.

مشخصات کتاب

نام کتاب: فرهنگ تشریحی ایسم‌ها
نویسنده: عزیزالله علیزاده
ناشر: انتشارات فردوس، نشر فرهنگ روز
تعداد صفحات: ۶۵۶

آشنایی با اهداف گاهنامه «باور ما»

- * اهمیت ایمان به خداوند و قرآن؛
- * پاسخ به شبهات عقل‌گرایان و ملحدین؛
- * اثبات حجیت حدیث؛
- * شناخت خاورشناسان و اهدافشان؛
- * تاریخ طلایی اسلام و دانشمندان مسلمان؛
- * واکاوی تمدن غرب؛
- * تاریخ ایران قبل از اسلام و بعد از آن؛
- و

«باور ما» می‌خواهد با استنادات و ارجاعات علمی، به دور از هرگونه تعصب و با انگیزه‌ی پرده‌برداری از حقیقت و ازاله‌ی شبهه‌ی شبه‌افکنان، گامی مستحکم در راستای القای اعتماد به نفس قوی به نسل جدید، بردارد، باشد که جوانان مسلمان با در دست داشتن دلیل و برهان، نه تنها به اسلام خویش افتخار نمایند، بلکه به تبلیغ و انتشار آن مبادرت ورزند. برای رسیدن به این هدف بلند، هیئت تحریریه گاه نوشت «باور ما» مطالب خود را در موضوعات ذیل ارائه می‌کنند: